فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و دوم. تابستان ۱۳۹۸، صص۱۲-۱ Vol 3. No 32. 2019, p 1-12
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

حق آزادی انتخاب وکیل و استقلال نهاد وکالت از حاکمیت

مهدی خوشروی
کارشناس ارشد حقوق
mahdi.khoshrooy@gmail.com

چکیده

وکیل به عنوان یک مصلح اجتماعی و مدافع حقوق بشر باید از استقلال کامل برخوردار باشد. وابستگی او جز به اصول عدالت و آرمان‌های ارزش انسانی، مقتضیات دفاع مستقل را از بین خواهد بُرد. بدیهی است که آزادی اجرای عدالت، دفاع از تضمین‌های دادرسی عادلانه و مسئولیت آگاهی بخشی مردم در زمینه حقوق بشر باممماشات، مصلحت اندیشی و منافع جویی منافات دارد. عدم استقلال کامل وکلا موجبات نوعی از تشویش را در جهت انتخاب آزادانه وکیل فراهم خواهد آورد و در تنافی با احساس امنیت قضایی، آزادی و استقلال دفاعی دادخواه نهایتا منجر به واهمه او از سیستم دادرسی خواهد بود. تبعات عدم وجود احساس امنیت قضایی جبران ناپذیر می‌باشد.

در اسناد بین المللی مرتبط با حقوق بشر علی الخصوص در ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی انتخاب وکیل تضمین شده است. اما کشور ایران علیرغم امضای این سند بین المللی، قوانینی را وضع نموده که حق انتخاب آزادانه وکیل را محدود می‌نماید. همچنین استقلال نهاد وکالت در دهه‌های اخیر با چالش‌های خاصی روبرو بوده است. به نظر می رسد بایست در جهت آزادی انتخاب وکیل و لزوم تضمین استقلال نهاد وکالت، گام های عملی برداشت و قوانین را اصلاح نمود.

واژه‌های کلیدی: وکیل، وکالت، آزادی، اسناد بین المللی، حقوق بشر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه:

وکالت را به صورت عام می‌توان چنین تعریف نمود که در راستای آن فردی به شخصی دیگر از طرف خود اجازه و نمایندگی می‌دهد تا مبادرت به انجام کاری نماید در جهت چنین قراردادی، شخص اول را موکل و نماینده او را وکیل می‌گویند. اما در فرآیند دادرسی و رسیدگی قضایی چنین نیابتی از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده و در طی عقد وکالت، مدعی یا مدعی علیه، این امکان را دارند که از یک نماینده قانونی برای پیشبرد اهداف دادخواهی خود استفاده نمایند تا به وسیله دفاعیات او ادعا و یا بی تقصیری خود را به اثبات برسانند. این امکان و تضمین دفاع باید برای همه‌ی افراد محترم و به رسمیت شناخته شده و اگر کسانی باشند که از نظر مالی با مشکل مواجه می‌باشند به صورت معاضدتی و رایگان از این فرآیند دادرسی عادلانه بهره خواهند بُرد.

حق برخورداری از وکیل مثل سایر تضمین‌های دادرسی عادلانه باید از ملزوماتی بهره مند باشد که از آن جمله می‌توان به انتخاب آزادانه وکیل و اهمیت استقلال وکلا اشاره کرد. فرایند دفاع در دادرسی یک امر شخصی است که در طی آن باید طرف دعوا از آزادی‌های لازم از جمله آزادی انتخاب وکیل برخوردار باشد تا روند دفاعی را آنگونه که به نفع مصالح دادخواهی خود تشخیص می‌دهد ترسیم نماید. مستندا در قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است: «هر کس حق دارد. . . در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده است از خود دفاع کند...»

وقتی که سیستم قضایی حق انتخاب آزادانه وکیل را از دادخواه بگیرد در حقیقت دفاع یا شکایت او را مضمحل و منتفی نموده است. اساسا این قضیه با آزادی دفاع تقابل پیدا می‌کند و در نهایت دادخواه را در موقعیتی از واهمه و احساس ناامنی قضایی قرار می‌دهد به طوری که عدم آزادی در انتخاب وکیل این برداشت را به وجود خواهد آورد که دادخواه با یک دادرسی دیکته ای مواجه شده است. دادرسی دیکته‌ای دقیقا در مقابل احساس امنیت قضایی که از پایه های دادگستری سالم محسوب می‌شود قرار خواهد گرفت.

متاسفانه در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران صراحتا حق انتخاب آزادانه وکیل محدود به وکلای مورد تایید رییس قوه قضاییه شده است. موارد محدود نمودن حق انتخاب آزادانه وکیل در ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری و فصل مربوط به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح نیز تکرار شده است. همچنین این رویه در تبصره ۱ ماده واحده «طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مربوط به دادگاه ویژه روحانیت) نیز وجود دارد. حتی بحث انتخاب وکیل از وکلای مورد تایید خاص در نامه رییس قوه قضاییه جهت برخورد ویژه با اخلالگران اقتصادی نیز باز تعریف شده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نهایتا به نظر می‌رسد که حق آزادی انتخاب وکیل در مواردی از قوانین ایران محدود شده است و استقلال نهاد وکالت از حاکمیت نیز با چالش های خاصی روبروست.

اسلوب وکالت در اسناد بین المللی

در بیشتر اسناد بین المللی حقوق بشر مانند بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۴ ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۳ اساسنامه اتحادیه بین المللی وکلا، اصول اساسی درباره نقش حقوقدانان، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، فصل چهارم اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر، ماده ۶۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و قاعده ۱۵ قواعد پکن به تضمین حق برخورداری و انتخاب آزادانه وکیل و امکان وکالت معاضدتی برای افراد نیازمند در جهت اجرای مصالح عدالت و دادخواهی تاکید ویژه ای شده است.
به عنوان نمونه در بند ۲۷ فصل اول اعلامیه وین و برنامه عملی کنفرانس جهانی حقوق بشر بیان می‌گردد: «هرکشور باید اهرم‌های قضایی مؤثر را برای رسیدگی به شکایات و یا تخلفات از حقوق بشر پیش‌بینی کند. برای تحقق جامع و عاری از تبعیض حقوق بشر و جریان‌های مردم سالاری و توسعهٔ پایدار، وجود یک دستگاه قضایی فعال، از جمله نهادهای حافظ و مجری قانون و دادستانی‌ها، و به ویژه محاکم و کانون وکلای مستقل که با رعایت کامل استانداردهای معمول مندرج در اسناد حقوق بشر بین المللی شکل یافته باشند، لازم و گریزناپذیر است».

همچنین در اعلامیه معیارهای استقلال حرفه وکالت مصوب کانون بین المللی وکلا چنین بیان می شود «آموزش دادن به آحاد مردم درباره اصول حکومت قانون، اهمیت استقلال قوه قضاییه و حرفه وکالت و مطلع کردن آنان از حقوق و وظایفشان و امکانات موجود و مناسب احقاق حقوق آنان، از مسئولیت‌های حرفه وکالت است.

لازم به ذکر است «دو سازمان مطرح بین المللی مربوط به وکلای دادگستری وجود دارد که کانون وکلای دادگستری (ایران) نیز عضو هر دوی آنهاست یکی اتحادیه بین المللی وکلای دادگستری (**UIA**) است که مقر اصلی آن در کاخ دادگستری بروکسل واقع است و دفتر اداری آن در پاریس قرار دارد و به سال ۱۹۲۷ تاسیس شده و دیگری کانون وکلای دادگستری بین المللی (**IBA**) است که در نیویورک مستقر است و در سال ۱۹۴۷ تشکیل شده است» (محسنی۱۳۹۳)

این مفاهیم آنقدر اهمیت داشته که حتی گاهی در قوانین اساسی و شهروندی بعضی از کشورها نیز صراحتا مطرح می شود. بعنوان نمونه در اصل۲۷ قانون اساسی کرواسی بیان می‌گردد: «وکلا به عنوان ارگانی غیر وابسته و مستقل و در ارتباط با قانون به کمک هم میهنان شتافته و آنها را در مقابل قانون یاری می دهند.»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وکیل در نقش مدافع حقوق بشر

در بعضی از اسناد مانند «اعلامیه وین و برنامه عملی کنفرانس جهانی حقوق بشر» نگاه عمیقتری از دیدگاه های سنتی حقوق بشر به نهاد وکالت شده است. در این اسناد وکیل و استقلال وکلا به عنوان مکانیسمی برای تحقق جامعه عاری از تبعیض و جریان‌های مردم سالاری و توسعهٔ پایدار معنا می‌یابد. به طوری که وکالت صرفاً یک شغل برای کسب درآمد نیست بلکه برای وکیل اهداف ویژه بسیار بالاتر از مسائل مالی مشخص شده است.

از منظر مفاهیم حقوق بشر، او دیگر فقط یک نماینده ساده برای اجرای کارهای اداری دادخواهی نیست بلکه می‌توان برای وکیل از عنوان (سفیر مستقل عدالت و مدافع حقوق بشر درجریان دادرسی) نام برد. وکلا علاوه بر داشتن دانش حقوقی لازم باید از اوصاف متعالی اخلاق و وجدان چنان بهره مند باشند که کسب درآمد فرعی بر اصول مذکور گردد. وکیل لباس وکالت پوشیده تا خدشه ای به حقوق اساسی و شهروندی موکلش وارد نگردد و غبار واهمه که به هر دلیلی چنگ بر چهره دادخواه انداخته رخت بربندد.

پس از نگاه حقوق بشر وکیل دیگر تاجر احقاق حق الوکاله نخواهد بود. بلکه وکالت یعنی احقاق حق یک بشر فارغ از تمام ویژگی‌های شخصی اش، یعنی یاور مظلوم، بیداد ستیز و انسانی که روز و شبش از غمِ داد، آرام ندارد. در قرن گذشته مثال چنین فردی را شاید در اقدامات دانش آموخته حقوق، ماهاتما گاندی یافت. وکیلی که دفتر وکالت او یک ساختمان مجلل نه، که پشت میله های زندان ظلم بود. او برای دادگستری و مبارزه با جامعه طبقاتی، لباس درد را به تن پوشید و در راه آرمان‌هایش از جان گذشت. یا مثالی دیگر زنده یاد محمد مصدق که دکترای حقوق را از دانشگاه نوشاتل سوییس دریافت کرد. دفتر وکالت او نیز سه سال پشت میله‌های زندان انفرادی بود و عاقبت در غربتِ احمدآباد درگذشت! و مثال‌هایی دیگر که دفتر وکالت شان در حبس و تبعید بود و هست. وکلایی که برای دفاع از حق چه دردها که نکشیدند. باید این آزادی خواهان را به جای آن شبهِ وکیلانِ طمع، لایق ردای وکالت دانست!

نتیجتا وکیل حقیقی، مدافع حقوق انسان‌ها از هر طبقه و نژادی در برابر ستم است و دفاع از حقوق بشر فرض راه اوست. چنین وظیفه خطیری در مقدمه «معیارهای استقلال وکالت» مصوب مجمع عمومی کانون بین المللی وکلا این گونه تاکید شده که «استقلال حرفه وکالت ضامن اساسی ترویج و صیانت از حقوق بشر محسوب می گردد. . . »

دولت‌ها و قوای قضایی می‌باید در نظر داشته باشند طبق تعریفی که در بند ۵ دستورالعمل (۱۲/۰۳) اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ برای حمایت از مدافعان حقوق بشر تدوین شده است «کار مدافعان حقوق بشر اغلب درگیر انتقاد از خط مشی و اقدامات دولت می‌باشد. ولی دولت‌ها نباید این را بعنوان یک عمل منفی تلقی نمایند. اصل اجازه برای داشتن تصمیم مستقل و بحث آزاد درباره خط مشی‌ها و اقدامات دولت، اساسی بوده و یک روش امتحان شده و آزمایش شده به منظور استقرار سطح بهتری از حقوق بشر می‌باشد».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

استقلال نهاد وکالت

مجمع عمومی کانون بین المللی وکلا درسال ۱۹۹۰ معیارهایی را برای استقلال وکالت وضع نمود که در یکی از بندهای آن ضمن تاکید انتخاب آزادانه هیات‌های کانون‌های وکلا توسط خود اعضا بدون دخالت هیچ دستگاه و شخصی دیگر به کارکردها و وظایف کانون مذکور در جهت تامین استقلال حرفه وکالت اشاره شده که به بعضی از آنها ذیلا پرداخته می‌شود:

«پیشبرد و حمایت از استقرار عدالت بدون واهمه و مدارا، دفاع از نقش وکیل در اجتماع و حفظ استقلال حرفه وکالت، کمک به دسترسی آزاد و یکسان مردم به نظام دادگستری از جمله تامین معاضدت قضایی و مشاوره، تامین حق برخورداری وکیل از رسیدگی فوری، منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و بیطرف و بر طبق اصول دادرسی شایسته و منصفانه در تمام امور، تامین و حمایت از اصلاحات قضایی و ارایه نظر و برگزاری مباحثات علنی در خصوص مسایل قضایی، تفسیر و کاربرد مقررات قانونی موجود و تضمین دسترسی آزاد به حرفه وکالت برای کلیه کسانی که صلاحیت حرفه ای ضروری را دارا می باشند بدون هیچ نوع تبعیض و نیز معاضدت به کارآموزان وکالت».

و در مقدمه معیارهای استقلال حرفه وکالت مصوب کانون بین المللی وکلا نیز به درستی مقرر گشته «برای استقرار و صیانت از حکومت قانون وجود یک نظام عادلانه قضایی که بدون هیچ محدودیت نابجا، فشار یا دخالت مستقیم یا غیر مستقیم بتواند استقلال وکلا را در ایفای وظایف حرفه ای شان تضمین نماید الزامی است.» لزوم استقلال وکلا به عنوان روح و اساس حرفه ی وکالت و دفاع از حقوق بشر حتی در قسمت چهارم اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز تاکید شده و بیان می گردد: « استقلال حرفه ای وکیل باید حفظ شود. وکیل باید مجاز باشد که تکلیف وفاداری به موکل و حفظ اسرار وی را ایفاء نماید.»

پس لازم است که دولت‌ها در مدیریت کشور و تعیین مقررات چنان استقلالی را برای شخصیت وکیل پیش بینی نمایند تا مبادا وکالت آلوده‌ی روابط ناسالم، ترس و واهمه از اشخاص یا قدرت‌هایی خاص گردد.

چالش های حق آزای انتخاب وکیل

در باب دوم از کتاب اول قانون آیین دادرسی مدنی ایران به تشریح مسائل مربوط به وکالت پرداخته شده است و اصل ۳۵ قانون اساسی و بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از امکان برخورداری از وکیل در دعاوی بحث نموده ولی متاسفانه در قوانین مذکور کوچکترین اشاره ای به لازمه‌ی اصلی حرفه وکالت و انتخاب آزادانه وکیل یعنی تضمین استقلال وکلا نشده است بنظر می رسد بهتر بود حداقل قانون اساسی همانگونه که بر استقلال قوه قضاییه تاکید داشته، استقلال وکلا را نیز صراحتا تضمین می‌نمود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گذشته از آن، ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه نیز که به صورت موازی کانون وکلا، امکان اعطای پروانه وکالت را مستقیماً در اختیار قوه قضائیه سپرده است و تا به حال مباحث بسیار انتقاد آمیزی را در محافل حقوقی منجر گردیده اما بحثی که امروز بسیار داغتر می باشد طرح جامع وکالت به پیشنهاد قوه قضاییه است که علیرغم مقاومت دولت دهم بعد از کش و قوس های فراوان بالاخره به مجلس ارائه شد.

ولی آنگونه که به نظر می رسد چالش های استقلال وکلا فقط محدود به این لایحه و مسائل مربوط به ماده ۱۸۷ نبوده بلکه درقانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۷۶ نیز تقابل‌ها و تضادهایی با اسناد بین المللی حقوق بشر دیده می‌شود از جمله روند استعلام از مراجع نظارتی ذیربط برای تایید صلاحیت نامزدهای هیات مدیره در تبصره یک ماده ۴، نمونه ای از این تنافی هاست.

امروزه دایره استقلال وکلا آنچنان مضیق شده که قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲، ماه ها معوق می‌شود تا در ماده ۴ مقررات اصلاحیه اش بگوید در بعضی پرونده‌های خاص، باید از وکلایی که مورد تایید رییس قوه قضائیه است استفاده نمود! این قضیه ضمن اینکه صراحتا مخالف و متضاد با ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد که بر آزادی انتخاب وکیل توسط طرف دعوا تاکید نموده است واکنشهای زیادی را نیز در مجامع حقوقی داخلی و بین المللی از جمله از طرف سازمان عفو بین الملل (**amnesty international**) منجر گردید نهاد حقوق بشری مذکور این اقدام را متضاد با تضمین های دادرسی عادلانه و به عنوان میخی دیگر بر تابوت عدالت، مطرح نمود!

دکتر علی نجفی توانا رییس وقت کانون وکلای مرکز نیز طی نامه ای به رییس جمهور از این مصوبه شدیدا انتقاد نموده و بیان داشت: «. . . فلسفه اصلی وکالت مستقل، بهره مندی مردم از پشتوانه دفاعی مستقل در مقابل مقامات عمومی از جمله دادستان و قاضی است که هر دو از کارکنان قوای عمومی هستند؛ اگر قرار باشد وکیل نیز تعیین شده و مؤید یک مقام عمومی باشد، چه تضمینی برای رعایت حقوق مردم وجود خواهد داشت؟ آیا آرایی که در چنین فرایندی صادر شوند، از اتقان و اعتبار داخلی و بین المللی بهره مند خواهند بود؟. . . فلسفه وضع این حکم هرچه که باشد، نتیجه آن جز ایجاد رانت برای عده ای و ایجاد بدبینی و احساسِ غیر خودی بودن در تعداد بیشتری از وکلا نیست؟. . . وکلای دادگستری و حقوقدانان، دلسوزانه و نه از روی تعصب صنفی، این مقرره را فاقد توجیه علمی، دارای توالی فساد متعدد و مغایر قانون اساسی و مصالح ملی می‌دانند. »

در هر حال چنین به نظر می رسد دیدگاه برخی از مسئولان قضایی به جامعه وکلا چندان مثبت نیست اخیرا (آذر۹۵) دادستان کل کشور اظهاراتی را در مورد کانون وکلا بیان می‌دارد که قسمت‌هایی از آن عینا نقل می‌شود «کانون وکلای ما احتیاج به اصلاح دارد. چه کسی باید اصلاح کند؟ یک زمانی به قوه قضاییه واگذار کردند و قانونی گذراندند اما به دلایلی موفق نشدند. به خودشان واگذار کنیم که خب یک اکثریتی هستند که نمی‌خواهند کارهایی را انجام دهند. چرا نباید جریان بسیج و حزب اللهی‌ها در چنین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مرکز مهمی، تشکل فعال و به روز داشته باشند. در یک جلسه ای به اعضای هیئت مدیره کانون وکلا گفتم و گله کردم که شما در هیچ عرصه ای حضور جدی ندارید.» (منبع: تابناک _ کد خبر: ۷۵۰۵۰۱)

نگرش فوق در مورد رفتار برخی قضات با وکلا هم صدق می کند. بنا بر قول دو نفر از حقوقدانان «متاسفانه به دلایل مختلف، استقلال و کرامت وکلا در محاکم دادگستری در بسیاری از مواقع نادیده گرفته می شود و بعضا قضات به خود اجازه می‌دهند که به وکلا توهین نموده و حتی آن ها را از دادگاه بیرون فرستاده و حکم به حبس آن‌ها دهند» (صادق آل محمد، ۱۳۹۱) «این واقعیت تلخ در جامعه ما انکارناپذیر است که قضات خود را مبرّی از اشتباه و بی نیاز از هر تذکر قانونی می دانند و حتی در برابر این قبیل تذکرات، واکنش منفی از خود نشان می دهند. این خودشیفتگی، خود ناشی از نبودن زمینه تضارب آرا در جامعه در کلیه سطوح است. زیرا خودشیفتگی از عوارض دولت‌های اقتدارگراست و مانند شته تمام ارگان‌های حکومتی را آلوده می‌سازد. » (قهرمانی، ۱۳۹۱)

البته بازداشت برخی از وکلای دادگستری نیز جای تامل دارد به طوری که دبیر کل سازمان ملل متحد در مواردی از گزارش‌های سالانه حقوق بشری خود در مورد ایران از تعقیب قضایی بعضی از وکلا انتقاد نموده است. به عنوان نمونه در بند ۲۰ گزارش آوریل ۲۰۱۴ اذعان می‌شود: «دبیر کل با تاکید بر اهمیت نقشی که مدافعان حقوق بشر و وکلا می توانند در پیشبرد محافظت از حقوق بشر و ارتقای آن در ایران داشته باشند مصرانه از دولت ایران خواست وکلا و مدافعان حقوق بشر را آزاد نماید و به آنها اجازه دهد بدون وجود هیچ گونه خطری نسبت به سلامت جسمی و روحی شان و یا هرگونه محدودیت دیگر، ایجاد مزاحمت و تهدید به فعالیت های خود بپردازند» البته کار به جایی رسید که رییس وقت کانون وکلا در تاریخ بهمن ۹۴ و در گفتگو با خبرگزاری تابناک (کد خبر ۵۶۳۱۵۰) پیشنهاد مصونیت قضایی وکلا را مطرح نمود و گفت: «تحت تعقیب قرار دادن وکیل از سوی قوه قضائیه برای وکالت افرادی خاص همواره مورد نگرانی ما بوده است وکیل باید مثل کبوتر آزاد باشد و بتواند از موکل خود دفاع کند. کانون در نظر دارد پیشنهاد مصونیت قانونی وکلا را به مجلس ارائه نماید که درصورت تصویب آن وکیل در چارچوب قانون مصونیت خواهد داشت.»

نتیجتا به نظر می‌رسد که روند قوانین ایران درجهت حفظ استقلال کامل وکلای دادگستری و انتخاب آزادانه او از نگاه معیارهای بین المللی و قواعد حقوق بشر با چالش‌های خاصی روبروست.

نهاد وکالت در دهه های اخیر

جهت بررسی سیر وکالت و چالش‌های استقلال وکلا در دهه‌های اخیر، گزیده هایی برگرفته از مجموعه مقالات دومین اجلاس کنگره ملی وکلا (اصفهان-۱۳۹۱) از مجله مدرسه حقوق عینا نقل می‌شود:

«بعد از پیروزی انقلاب تا حوالی سال ۱۳۷۷ با دخالت های مستقیم هر سه قوه و تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه به انحای مختلف فضای وکالتی جامعه آشفته شد و با وجود عکس العمل های موردی و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ابراز نگرانی بزرگان وکالت غالب اقدامات مذکور همچنان ادامه یافت و نخواستند در برنامه ها و تصمیم گیری ها خود صاحب نظران نهاد وکالت را هم دخالت دهند. . . بعد از انقلاب اکثر اقدامات مسئولین عملا برخلافِ مفهوم واقعی استقلال از قبیل لزوم دفاع شجاعانه، طرح و پیگیری و به سرانجام رساندن پرونده ها بدون هرگونه ناامنی و ترس و لرز بود. . . در این دوره بود که با انواع تصفیه ها و بازسازی‌ها نزدیک به دو دهه کانون‌ها به حالت بلاتکلیفی رها شدند. . . مدیریت ها انتصابی شد و خود وکلا هیچ نماینده ای در اداره کانون ها نداشتند تا اینکه قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری در سال ۱۳۷۶ به تصویب رسید. در این قانون موارد متعددی قابل طرح و تذکر از باب سلب استقلال وکلاست از جمله دخالت دادگاه عالی انتظامی در زمینه تایید صلاحیت نامزدهای هیات مدیره کانون ها، تعیین تعداد کارآموزان مورد پذیرش هر حوزه قضایی به نسبت سالیانه و نیز پیش بینی لزوم استعلام و کسب نظر واحدهای انتظامی و امنیتی در مورد داوطلبین صدور پروانه وکالت و کارآموزی که همچنان تا زمان حاضر با فراز و نشیب ادامه دارد. . . » (زرعی و مرادی پسند ۱۳۹۱)

«اما در همین جامعه می‌بینیم حقوقدانان و وکلای شریف، دریادل، شجاع و کاردان را که برای متهمان سیاسی و مطبوعاتی بی‌دریغ ذره ای حق الوکاله، خود را به آب و آتش می‌زنند و سرانجام خود نیز زندانی می‌شوند. . . » (رییس دانا۱۳۸۱ به نقل از زرعی و مرادی پسند ۱۳۹۱)

«انتصاب و گزینش وکیل توسط قوه قضاییه و صلاحیت تایید شرایط اعضای هیات مدیره توسط دادگاه عالی انتظامی قضات و صلاحیت تعیین و معرفی وکلای محدود توسط دادگاه ویژه روحانیت، همگی موجب مداخله و اعمال نفوذ حکومت در انتصاب و گزینش وکلا شده و مغایر با اصول بین المللی مربوط به استقلال وکلا از حاکمیت بوده و موجب عدم تحقق کامل استقلال قضایی و دادرسی عادلانه خواهد شد» (دادفر ۱۳۹۱)

«. . . به طور عملی دستگاه قضایی تعامل و تفاهم لازم را با وکلا ندارد و نقش وکیلان دادگستری در محاکم به خصوص در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب بسیار محدود و کم رنگ بوده و آزادی دفاع از آنان در مراجعه مزبور مواجه با اشکالاتی می‌باشد مزید بر علل مذکور نقش خود وکلا در تضعیف استقلال کانون قابل بحث و بررسی و تامل است زیرا جمعی از همکاران با سوار شدن به موج انقلاب و با تکیه بر ایدئولوژی خاص خود، مصر به تصفیه سیاسی گردیدند و همین خواسته نامعقول به مخالفین استقلال و موجودیت کانون بهانه داد که با دست آویز پاکسازی و با حصر و بند باقیمانده هیات مدیره عملا کانون را منحل و استقلال آن را نادیده انگارند و اداره کانون به سرپرستی قوه قضاییه تحت نظارت ایادی آن اداره شود و این فترت نزدیک به ۱۷ سال به طول انجامید. . . بالاخره و سرانجام با تلاش معمرین و همکاران علاقه مند و با توجه به ملاحظات بین المللی کیفیت اخذ پروانه وکالت تصویب و متاسفانه در آن داوطلبین هیات مدیره در انتخابات بایستی با نظارت استصوابی دادگاه انتظامی قضات و تایید مراجع امنیتی برگزیده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شوند و همین امر مانع از ورود تعداد کثیری از وکلای دادگستری به صحنه انتخابات شد. . . » (امیرحسینی ۱۳۹۱)

«آیا نهاد وکالت که حق ندارد مدیران خود را بدون موافقت قوه قضاییه انتخاب کند واقعا مستقل است؟!» (طیرانیان ۱۳۹۱)

«حقیقت آن است که سالیان اخیر اگر نظام مسلط خواسته باشد محدودیتی برای وکیل و نهاد وکالت ایجاد کند این کار به منصه ظهور رسیده و وکلا و کانون های آن نیز تنها تماشاگر بوده اند و یا حتی سوته دلانه نگریسته اند بنابراین اقدامات نهاد قدرت، استقلال کانون های وکلا را از بین برده و استقلالی برای وکیل باقی نگذاشته است و تنها خواستار بریدن آخرین نفس هاست حقیقت این است که این تلاش‌ها برای بریدن آخرین نفس‌ها نیز بیشتر از آنکه معلول قدرت وکلا و نقش شان در عرصه عمومی باشد معلول تلاش معدود وکلایی است که در دفاع از حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی شهروندان هرگونه محافظه کاری را لگام بسته و مختارانه خطر کرده اند علاوه بر سخت جانی این وکلای معدود انفعال و محافظه کاری کانون های وکلا و سکوت و سکوت و سکوت آن‌ها نیز راه را به تنگ تر کردن حلقه محاصره فراهم کرده است. . . » (نظری نژاد و سجادی ۱۳۹۱)

«اساسا در جامعه ایران ضرورت وجود نهادی به نام وکالت در دستگاه قضایی محل تردید مسئولین است و این تردید هر از چندگاهی به صورت رسمی اعلام می شود و دادگاه ها هم به تاسی از بزرگان قوم، عملا ناخشنودی خود را از مداخله ی وکلا در مرافعات مردم نشان می‌دهند این ناخشنودی از آن جا نشات می گیرد که در غیاب نهادهای آموزشی حقوق شهروندی در جامعه، توده مردم آگاهی های لازم حقوقی خود را نوعا از طریق وکلا و مشاورین حقوقی به دست می آورند و چون در یک جامعه بسته، تنها قرائت مجاز از قوانین و مقررات قرائتی است که حاکمان در تفسیر و تعبیر قوانین به دست می آورند، آگاهی دادن به مردم از قرائت های مختلف حقوقی به زعم مسئولین قضایی کشور، اخلال در نظام قضایی تلقی می‌شود. .» (قهرمانی ۱۳۹۱)

«با این اوصاف استقلال عملی نهاد وکالت و استقلال وکیل در ایران امروزی رخساره ای ملول دارد زردرنگی رخساره ناشاد وکالت و وکیل بر همگان هویداست. . . در نتیجه هم از نظر ساختاری و هم از نظر عملی، نهاد وکالت و وکیل ایرانی، استقلال عملی برای هنرنمایی در تحقق عدالت راستین ندارد» (ساعد ۱۳۹۱)

نتیجه گیری

وکیل نقشی عجیب در اجرای اصول رفتار قضایی منطبق با حقوق بشر دارد و از این رو وکیل را می‌توان مدافع اساسی حقوق بشر در سیستم قضایی نامید. پس وکالت را نمی توان به عنوان صِرف یک تجربه شغلی درآمد مدار فرض نمود. لازمه وکالت شجاعانه، استقلال از نهادهای حاکمیتی و نظام قدرت می باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وکیلی که تحت نظر یا نفوذ آرای حاکمیت باشد طبیعتا نخواهد توانست اصول عدالت را یاری نماید. پس لزوم استقلال نهاد وکالت از حاکمیت از لوازم اصلی استانداردهای دادرسی عادلانه محسوب می‌شود.

نکته دیگر، حق انتخاب آزادانه وکیل از طرف دادخواه در مقام دفاع یا شکایت می باشد. اگر موکل نتواند، آزادانه وکیل خود را انتخاب نماید در حقیقت حقوق بشر نقض شده است. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتا از آزادی انتخاب وکیل صحبت می کند. همچنین در جای جایِ اسناد بین المللی مرتبط با حقوق بشر، از استقلال نهاد وکالت و حق انتخاب آزادانه وکیل سخن گفته شده است. چرا که نقض اصول استقلال وکالت، امنیت قضایی جامعه را خدشه دار نموده و نوعی از خودکامگی قضایی را سبب خواهد شد که تبعات آن در ذبحِ عدالت جبران ناپذیر است.

در هر حال به نظر می رسد حق انتخاب آزادانه وکیل در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و در ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری و فصل مربوط به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح عملا محدود شده است. همچنین این رویه در تبصره ۱ ماده واحده «طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مربوط به دادگاه ویژه روحانیت) نیز وجود دارد. حتی بحث انتخاب وکیل از وکلای مورد تایید خاص در نامه رییس قوه قضاییه جهت برخورد ویژه با اخلالگران اقتصادی (۱۳۹۷) نیز بازتعریف شده است.

همچنین با توجه به بحث‌های متعددی در قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری سال ۱۳۷۶ مانند دخالت دادگاه عالی انتظامی در زمینه تایید صلاحیت نامزدهای هیات مدیره کانون‌ها، تعیین تعداد کارآموزان مورد پذیرش هر حوزه قضایی به نسبت سالیانه، پیش بینی لزوم استعلام و کسب نظر از واحدهای انتظامی و امنیتی در مورد داوطلبین صدور پروانه وکالت، چالش هایی از جهت نقض استقلال نهاد کالت در ایران مطرح می‌شود.

نتیجتا به نظر می رسد که قوانین ایران از نظر استقلال وکالت و حق آزادی انتخاب وکیل با اصول رفتار قضایی منطبق با حقوق بشر فاصله داشته و نیازمند اصلاح می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اساسنامه اتحادیه بین المللی وکلا

http://hoghoogh.online.fr/article. php3?id_article=296

ـ اصول اساسی درباره نقش حقوقدانان

http://www.unic-ir.org/hr/hr20.pdf

ـ اعلامیه جهانی حقوق بشر

http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Documents/UDHR_Translations/prs.pdf

ـ امیرحسینی، جهانگیر. ۱۳۹۱. موانع و چالش‌های استقلال کانون وکلای دادگستری. مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ پوراستاد، مجید. (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی فراملی. تهران: شهر دانش

ـ دادفر، فرهاد. . ۱۳۹۱. استقلال وکیل در آیینه حقوق بشر. مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ رییس دانا، فریبرز. (۱۳۸۱). تهران: انتشارات علم (ص ۲۳۰)

ـ زرعی، رضا. و مرادی پسند، گلناز. ۱۳۹۱. در ضرورت‌های اجتماعی استقلال وکلا و کانون ها. مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان) ، شماره ۷۸

ـ ساعد، محمدجعفر. ۱۳۹۱. پویش مفهومی و بستر پدیداری استقلال نهاد وکالت. مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ صادق آل محمد، سیدمحمد. ۱۳۹۱. تاملی بر چالش ها و موانع استقلال وکلا در سیستم قضایی ایران، مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸،

ـ طیرانیان، غلامرضا. ۱۳۹۱. نشکنید خود را، مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ قانون اساسی کرواسی

http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132282

ـ قهرمانی، نصرالله. ۱۳۹۱. چرا استقلال کانون های وکلا را بر نمی تابند؟!، مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ محسنی، حسن. (۱۳۹۳). وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام های حقوقی. تهران: سهامی انتشار

ـ نظری نژاد، محمدرضا. و سجادی، سیدحسن. ۱۳۹۱. گفتاری پیرامون استقلال نداشته و. . . . مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای اصفهان)، شماره ۷۸

ـ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

http://1945. ir/fa/print/14

ـ کنوانسیون حقوق کودک

http://www.unic-ir.org/hr/convenantion-child. htm

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ گزارش دبیرکل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران- ۲۰۱۴

https://documents.un.org/prod/ods. nsf/xpSearchResultsM. xsp

ـ مجموعه مقررات مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن)

https://www.unicef.org/iran/fa/FFCRC-Book. pdf

ـ میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی.

http://www.unic-ir.org/hr/convenant-cp. htm

ـ نامه رییس کانون وکلا به رئیس جمهوری/ انتقاد ازاصلاح قانون جدید آیین دادرسی کیفری

http://www.mehrnews.com/print/2852676/

ـ نامه رییس قوه قضاییه جهت برخورد ویژه با اخلالگران اقتصادی

https://www.mizanonline.com/fa/news/443633/

ـ -----. (۱۳۸۲). اعلامیه وین و برنامه عملی کنفرانس جهانی حقوق بشر مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳. حقوقی بین المللی، ۲۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]